



The role of the Quran in the Founding Tajweeds science and its goals*

MohamadAli Rezaee Esfehani^۱

Heysam boazaar^۲

Abstract

There are different and, in some cases, conflicting viewpoints concerning the founding of elocution [tajwid]. On the one hand, some consider it as a general art that is not specific to Islam, Quran, and Hadith; On the other hand, Quranic research scholars express it from the teachings of the Quran, which has a significant effect on the understanding of the meanings of the Quran as much as possible. Therefore, this article, after examining the viewpoints of thinkers concerning the founders and purposes of the establishing elocution [tajwid], expressing and analyzing the evolution of this science, proving the origin of elocution [tajwid], after revealing the Holy Quran, seeks to answer the fundamental question that what is the direct and indirect role of the Quran in the origin and founding of elocution [tajwid]. The method of this research is analytical-descriptive, which answers the main question by examining the Quranic verses and the sayings of the Infallible Ones [A.S]. The results of the research indicate that the direct role of the Quran in the emergence of elocution [tajwid] are: encouraging to observe calmness in recitation [qira't]; semantic harmony of tartil and elocution [tajwid] in the Quran; elocution [tajwid] as the preface of contemplation in Quranic verses; the right to recite and link it to understanding the meanings of the Quran; and inviting the Qur'an to follow the role-models of the behavioral norms of the Prophet (P). The indirect role of the Quran, which is achieved by authorizing the hadith and tradition [sunnat] of the Infallible Ones (A.S), are: valuing the teaching and learning of the Quran; emphasis on tartil with a good voice; command to learn recitation [qira't] and elocution [tajwid]; explanation and definition of tartil and elocution [tajwid]. The above factors as an indicator of the effectiveness of the Quran in establishing elocution [tajwid].

Keywords: Quran, Role of Quran, Goals of Elocution Tajwid, , History of science.

*. Date of receiving: ۱۴, March, ۲۰۲۱, Date of approval: ۴, July, ۲۰۲۱.

۱- Professor of Al-Mustafa international university, rezaee@quransc.com.

۲- PHD Student of Quran and islamic Texts Qom islamic teachings university(Corresponding Author), haithamboozar۲۹۲۱@gmail.com



نقش قرآن در پایه‌گذاری دانش تجوید و اهداف آن*

محمد علی رضایی اصفهانی^۱ - هیثم بوعدار^۲

چکیده

پیرامون پایه‌گذاری تجوید دیدگاه‌های متفاوت و در برخی موارد متضادی وجود دارد. از سویی برخی آن را به‌عنوان یک فن عام که اختصاصی به اسلام، قرآن و حدیث ندارد، قلمداد می‌کنند؛ از دیگر سو اندیشمندان قرآن‌پژوه آن را از معارف قرآن که تأثیر شایانی در فهم هر چه بیشتر معانی قرآن دارد، بیان می‌کنند. از این رو، این نوشتار پس از بررسی دیدگاه اندیشمندان پیرامون پایه‌گذاران و اهداف پیدایش تجوید، بیان و تحلیل سیر تکامل این دانش، اثبات پیدایش تجوید، پس از فروفرستادن قرآن کریم، در پی پاسخ به این پرسش بنیادین است که نقش مستقیم و غیرمستقیم قرآن در پیدایش و پایه‌گذاری تجوید چیست؟ روش این پژوهش تحلیلی - توصیفی است که با بررسی آیات قرآنی و سخنان معصومان علیهم‌السلام، به پرسش اصلی پاسخ می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: نقش مستقیم قرآن در پیدایش تجوید عبارت‌اند از: ترغیب به رعایت آرامش و درنگ در قرائت؛ وفاق معنایی ترتیل و تجوید در قرآن؛ تجوید درآمد تدبر در آیات قرآنی؛ حق تلاوت و پیوند آن با فهم معانی قرآن؛ و دعوت قرآن به سرمشق‌گیری از هنجارهای رفتاری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. نقش غیرمستقیم قرآن که با حجیت‌بخشی به حدیث و سنت معصومان علیهم‌السلام حاصل می‌شود، عبارتند از: ارزش‌دهی به تعلیم و آموزش قرآن؛ تأکید بر ترتیل همراه با صدای نیکو؛ سفارش به یادگیری قرائت و تجوید؛ تبیین و تعریف ترتیل و تجوید. عوامل فوق به‌عنوان بازگوکننده میزان تأثیرگذاری قرآن در پایه‌گذاری تجوید است.

واژگان کلیدی: قرآن، نقش قرآن، دانش تجوید، اهداف تجوید، تاریخ علم.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳.

۱. استاد جامعه المصطفی العالمية: rezaaee@quransc.com.

۲. دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف، گرایش قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم (نویسنده مسئول):

haithamboozar2921@gmail.com.

مقدمه

عموم مسلمانان و قاریان قرآن به طور اختصاصی، از ابتدای نزول قرآن کریم به قرائت و بعدها به تجوید آن اهتمام خاصی نشان داده‌اند. احترام ویژه به قاریان قرآن و صاحبان تجوید در طول تاریخ، شاهد بر این ادعاست. ارزشمندی این علم، اهمیت بحث از حدوث آن را نمایان تر می‌نماید. از این رو شایسته است، درباره عوامل پیدایش تجوید بیش از پیش بحث شود. ممکن است، ادعا گردد که علاقه وافر خود مسلمانان به مراعات قرائت و تجوید و نیز حرمت خاص قاریان نزد مسلمانان، از عوامل حدوث دانش تجوید است. همان طور که امکان دارد، کسی غیر از این دو عامل؛ یعنی خود قرآن و پیام آور آن را، دخیل در پدید آمدن بدانند. به عقیده نگارنده، با قطع نظر از دو عامل گذشته، فرایند طرح و تدوین قرائت و تجوید در نزد مسلمانان، ناشی از قرآن و مفسران آن علیه السلام است که این نوشتار، سرچشمه‌های تأثیرگذار در پایه‌گذاری این دانش از منظر قرآن را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که پیش از نزول قرآن کریم، سخنی از تجوید به شکل علمی یا غیر آن، بین عرب‌زبانان و دیگر ملت‌ها وجود ندارد. همچنین تجوید، به خلاف برخی از دیدگاه‌ها، بیان‌کننده بدعت و حرمت یا پیدایش آن توسط دشمنان اهل بیت علیهم السلام، یا پایه‌گذاری این دانش توسط بدخواهان اسلام جهت مقابله با ره‌آورد های قرآن، یکی از دانش‌های خاص قرآن است که پس از سفارش‌های پدیدآورنده قرآن، نخستین تدوین این دانش در عصر معصومان علیهم السلام و به وسیله شاگردان ایشان همانند؛ ابوالاسود دؤلی، خلیل بن احمد فراهیدی و... است. از این رو اندیشمندان قرآن‌پژوه به دلیل تأثیرگذاری تجوید بر فهم معانی قرآن، آن را از شریف‌ترین دانش‌ها قلمداد می‌کنند.

ناگفته نماند، مقالاتی پیرامون اهمیت تجوید و ضرورت‌های فراگیری، وجوب یا حرمت پاسداشت آن در خواندن و روان خوانی قرآن نگاشته شده است. مقاله «دلایل فراگیری دانش تجوید و قرائت مرتل»، محمداسماعیل خورشیدی که برخی از ضرورت‌های قرآنی - حدیثی را به منظور یادگیری و آموزش تجوید مورد بررسی قرار داده است. همچنین مقاله «تجوید از وجوب تا حرمت»، محمدعلی محمدی که به دیدگاه‌های فقهای شیعه و اهل سنت پیرامون رعایت قواعد تجویدی پرداخته است؛ اما در هیچ کدام از مقالات مذکور پیرامون نقش قرآن در پایه‌گذاری قواعد تجوید، بررسی و یادآوری دیدگاه‌های گوناگون درباره پایه‌گذاران تجوید و سیر پایه‌گذاری تجوید و اهداف آن مطلبی وجود ندارد.



مفهوم‌شناسی تجوید

الف. تجوید در لغت

تجوید بر وزن تفعیل و از ماده «جود» مصدر، به معنای نیکی، نیک شدن، نیکو کردن و تحسین است. می‌گویند: «جاد الشيء، یجود، جوده»؛ یعنی آن چیز نیک گردید (فراهیدی، العین، بی‌تا: ۱۶۹/۶). همچنین گفته می‌شود: «جود فلان کذا»؛ یعنی آن شخص این کار نیک را انجام داد؛ و «جود القراءة»؛ یعنی قرائتش را به نیکی و بدون کاستی و زشتی و نقص به سرانجام رساند (ابن منظور، لسان العرب، بی‌تا: ۱۳۶/۳؛ ابن الجزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۲۱۰/۱).

ب. تجوید در اصطلاح

برای تجوید در پژوهاک علوم قرآنی چند تعریف ارائه گردیده است. از جمله:

۱- از پیشگامان در عرصه دانش تجوید ابو عمرو دانی (۳۷۲-۴۴۴) در تعریف «تجوید» گفته است: تلفظ روان و فصیح حروف از مخرج آن‌ها بدون افراط و تفریط همراه با رعایت حقوق حروف و حفظ ترتیب است (دانی، التحدید فی الاتقان والتجوید، ۱۴۲۱: ۶۸). البته مهم‌ترین اشکالی که به این تعریف وارد است، عدم توجه آن به «مستحقّ حروف» است، چنانچه ذکر خواهد شد که جستار «مستحقّ حروف» از بخش‌های مهم تجوید شمرده می‌شود.

۲- تجوید یعنی؛ پیرایش قرائت و دادن حقوق حروف و رعایت ترتیب آن‌ها، همچنین بازآوردن حرف به مخرج و اصل آن و چسبیدن آن به نظیرش و تصحیح لفظ و تلطیف زبان، با توجه به صیغه و ساختمان هر کلمه بدون تکلف است» (ابن الجزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۲۱۰/۱).

۳- تجوید یعنی ادای حروف از مخرجش همراه با إعطای «حق» و «مستحقّ» آن حرف (موسوی بلده، حلیة القرآن، ۱۳۷۸: ۲۶).

به نظر می‌رسد، تعریف ابن‌الجزری فراگیرتر از تعریف‌های پیشین باشد؛ زیرا که به مبحث حقّ و مستحقّ حروف که از پایه‌های تجوید شمرده می‌شود، توجه کرده و شیوه آن را نیز شرح داده است. در تفاوت بین «حقّ» و «مستحقّ حروف» گفته شده که حقّ حروف؛ یعنی تلفظ حرف از مخرج خود و توجه به صفات ذاتی آن بدون در نظر گرفتن ترکیب و پیوند آن با دیگر حروف، همانند: جهر و شدّت؛ اما مستحقّ حروف یعنی کیفیت صوت و آوایی حروف در صورت پیوند با یکدیگر، همچون ادغام و اخفاء (جرسی، نهاية القول المفید فی علم التجوید، ۲۰۰۳: ۱۳).

بررسی دیدگاه‌های قرآن پژوهان پیرامون اهداف پیدایش تجوید

پیرامون اهداف پایه‌گذاری تجوید و علل پیدایش آن دیدگاه‌های گوناگونی بین اندیشمندان قرآن پژوه به چشم می‌خورد که به صورت فشرده مورد ذکر و بررسی قرار می‌گیرد:

یک. اصلاح قرائت قرآن

بر اساس این دیدگاه، هدف از پایه‌گذاری و تدوین تجوید، اصلاح قرائت قرآن و پاسداری از اشتباه در سخن است؛ زیرا قرائت ناصواب موجب تحریف معنای قرآن می‌گردد (ابن الجزری، النشر فی القرائات العشر، بی تا: ۵۳/۱). برخی از احادیث این معنا را تأیید می‌نمایند و هدف از نگاشتن در این زمینه‌ها را جلوگیری از لحن و اشتباه در خواندن قرآن بازگو می‌کنند (حموی، معجم الادباء، ۱۴۱۷: ۴/۱۴۶۷).

دو. عامل بدعت و سبب بروز اختلاف در مخارج و معانی حروف قرآنی (۱)

دانشمند لبنانی معاصر، آیت الله شیخ محمد جمیل حمود، دانش تجوید را از وضع مخالفان دانسته، همچنین بهره از این دانش در قرائت قرآنی و... را باعث وارونه جلوه دادن الفاظ و معانی قرآنی بیان می‌کند (<http://aletra.org/subject.php?id=۱۱۳۳>)

با بررسی داده‌های تاریخی خلاف این دیدگاه ثابت می‌شود. نخست: همان‌گونه که در سرچشمه‌های قرآنی تجوید و سیر تکامل این دانش بیان خواهد شد، ائمه علیهم‌السلام و پیروان آنان پیشگامان عرصه تجوید و نخستین نگاشته‌ها در این پهنه ویژه شیعیان و شاگردان معصومان علیهم‌السلام است؛ دوم: درست ادا کردن حروف و رعایت مخارج از قدیم‌الایام بین مردم رواج داشته و با روح و فطرت بشر سازگار است (شمس، پژوهشی پیرامون تاریخ علم تجوید، ۱۳۸۰: ۷۱)؛ و رعایت حق حروف و مستحق آن‌ها و پاسداری بر مخارج واژه‌ها، معنا را دگرگون نمی‌سازد، بلکه باعث زیبایی سخن و عامل پاسداری از لغت و آداب سخنوری با آن می‌گردد.

سه. مقابله با آرمان و ره‌آوردهای بنیادین قرآن (۲)؟؟

از سخن برخی قرآن پژوهان چنین برمی‌آید که هدف از تدوین تجوید، مقابله با اهداف حقیقی قرآن کریم، فراهم نمودن موجبات نزدیکی به پادشاهان و سلاطین، به‌ویژه در زمان بنی‌امیه جهت تأمین معیشت است و عدم دخالت اندیشمندان شیعه در تدوین تجوید به دلیل باور به قرائت واحد از خدای واحد است (خیمینی، تفسیر القرآن الکریم، ۱۴۱۸: ۴۳۰/۱).



با بررسی این دیدگاه مشخص می‌شود، چنین نظریه‌ای از چند نظر مخدوش است؛ زیرا هیچ پشتوانه علمی ندارد و داده‌های تاریخی خلاف آن را ثابت می‌کند. همچون؛ وجود نخستین قواعد تجویدی در نگاشته‌های سیبویه، شاگرد خلیل بن احمد فراهیدی، دوستدار و پیرو امام علی علیه السلام (سیبویه، الکتاب، بی تا: ۴/۸۳ - ۴۸۴)؛ همچنین از جمله قاریان بزرگ و نخست قرائت قرآن «حمزة بن حبيب ابوعمارة» است که از شیعیان بوده است (طوسی، رجال الطوسی، بی تا: ۱۹۰). ناگفته نماند که بین دلیل و مدعا نیز تفاوت وجود دارد؛ زیرا ادعای این نظریه، انگیزه پیدایش تجوید، مقابله با مفاهیم حقیقی قرآن بیان است؛ اما دلیل عدم تأیید اختلاف قرائات و قرائات سبعة نزد اهل بیت علیهم السلام و عدم باور به آن بازگو شده است. درحالی که بین این دو دانش تفاوت شایانی است. تجوید نیکویی صدا، رعایت وقوف و مخارج حروف اعم از «حق» و «مستحق حروف» را مورد بررسی و بیان قرار می‌دهد؛ اما دانش اختلاف قرائات، روش آن، صحت الفاظ آن و... را مورد واکاوی قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد، یکی پنداشتن دانش قرائت و تجوید، موضوع و اهداف آن‌ها، اسباب پیدایش، باعث بروز این انگاره گردیده است.

چهار. زیبایی صدا و فهم معانی قرآن

یکی دیگر از فواید و اهداف این دانش، زمینه‌سازی برای تدبر در قرآن کریم است؛ زیرا وقتی قرآن با صدای نیکو تلاوت شود، توجه نفس به مفاهیم آن، کام به فرمان‌بری و پرهیز از نواهی الهی افزایش می‌یابد (ابن الجزری، التمهید فی علم التجوید، ۱۴۲۱: ۵۷ - ۵۸).

بر اساس روایات صدای نیکو باعث ارتباط هر چه بیشتر روح انسان با مفاهیم و آموزه‌های قرآنی و زمینه‌ساز تدبر در قرآن کریم است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲/۶۱۴)؛ اما زیبایی صدا ارتباطی با تجوید و موضوع آن ندارد. البته اگر مقصود از این دیدگاه زیبایی صدا و تلاوت با رعایت مخارج، وقف و ابتداء و... باشد، سخن درست و پسندیده‌ای است.

تاریخچه پیدایش تجوید و پایه‌گذاران آن

پیرامون بازه زمانی پیدایش و پایه‌گذار تجوید بین اندیشمندان علوم قرآن، دیدگاه‌های متفاوت و در مواردی ناسازگار دیده می‌شود؛

یکم: پایه‌گذاری به‌وسیله قرآن کریم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛ زیرا قرآن به‌صورت مجوّد توسط جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرورستاده شده است و ایشان نیز قرآن را به این صورت می‌خوانده و صحابه و یاوران نیز

این گونه قرائت را از ایشان دریافت کرده‌اند (زراری، مدخل الی علم التجوید، بی تا: ۲۱۰/۱۰؛ خیاطه، التبیان فی تجوید القرآن، ۱۴۰۹: ۷۹).

دوم: پایه‌ریزی توسط امام علی علیه السلام؛ با توجه به وجود برخی از روایات و به‌کارگیری واژه «تجوید»، می‌توان احتمال داد که پژواک تجوید در زمان امام علی علیه السلام علمی شناخته شده است. از این رو با توجه به بهره‌نخت امام علی علیه السلام از این واژه و تفسیر ترتیل به تجوید (ابن الجزری، التمهید فی علم التجوید، ۱۴۲۱: ۶۱)؛ همچنین مرادف دانستن کلمه تجوید با ترتیل در احادیث (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۸۸/۸۱؛ کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵: ۷۱/۱)، می‌توان نتیجه گرفت که تجوید نخست به‌وسیله آن حضرت بنیان نهاده شده است.

سوم: پیدایش توسط یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و با تأیید ایشان؛ برخی قرآن‌پژوهان با استناد به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پیروی از قرائت ابن مسعود، شناسایی معاذ بن جبل، اُبی ابن کعب و سالم مولی اُبی حذیفه و دستور به متابعت از قرائت آنان (ابن حنبل، مسند احمد بن حنبل، ۱۴۱۶: ۲۱۱/۱؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ۱۴۱۸: ۱۴۸/۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۱۳/۳۱)، به‌کارگیری واژه «تجوید» به‌وسیله ابن مسعود (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱: ۳۲۴/۱)، پایه‌ریزی دانش تجوید را به یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت می‌دهند.

چهارم: پایه‌گذاری توسط ابومزاحم موسی بن عبیدالله بن یحیی خاقانی در قرن چهارم (حاجی خلیفه، کشف الظنون، بی تا، ۳۵۴/۱). با بررسی تاریخ تجوید، تباهی این دیدگاه نمایان است؛ زیرا قواعد دانش تجوید نخستین بار توسط خلیل بن احمد فراهیدی نگاشته شده و شاگرد او سیبویه برخی از آن‌ها را در «الکتاب» خود ذکر نموده است (سیبویه، الکتاب، بی تا: ۴۸۳/۴ - ۴۸۴)؛ همچنین هیچ واژه‌ای با عنوان تجوید در نگاشته و اشعار ابومزاحم وجود ندارد (قدوری، ابحاث فی علم التجوید، ۱۴۲۲: ۲۵).

پنجم: تجوید پیش از نزول قرآن بین عرب‌زبانان بوده و مورد بهره‌آنان قرار گرفته است (شمس، پژوهشی پیرامون تاریخ علم تجوید، ۱۳۸۰: ۷۱). این دانش گرچه در ابتدای نزول به‌صورت علم با قواعد خاص مطرح نبوده است؛ اما بر اساس فطرت، مردم سعی بر درست استفاده کردن کلمات و حروف داشتند. بر این اساس دانش تجوید مربوط به حوزه دانش ادبیات عرب است و پس از نزول قرآن مورد بهره‌فاریان قرآن قرار گرفته و به‌بالندگی خود رسید.

دیدگاه مختار نگارنده؛ پیدایش تجوید پس از نزول قرآن و با این کتاب الهی بوده است. آنچه از



نظریه‌های تاریخ مورد اذعان و پذیرش قرآن پژوهان است، اینکه پیش از نزول قرآن کریم سخن از علمی به نام تجوید یا دانشی دیگر که در بردارنده قواعد تجوید نزد عرب‌زبانان باشد، گزارش نشده است (العاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ۱۴۱۵: ۲۲/۲ - ۲۳) افزون بر آن در آیات به رعایت مخارج و وقف، اعطای حقوق حروف، ترتیل و حق تلاوت بدین مهم سفارش نموده و آن را درآمد و زمینه‌ساز تدبر در آیات قرآن دانسته است (مزمّل / ۴؛ فرقان/۳۲؛ اسرا/۱۰۶؛ بقره/۱۲۱)؛ گرچه برخی تفسیر ترتیل به تجوید را مورد مناقشه قرار داده‌اند و مسئله پایه‌گذاری تجوید به وسیله قرآن کریم را نیازمند تأمل دانسته‌اند؛ اما تأکید احادیث گوناگون بر لزوم رعایت مخارج حروف و حفظ وقوف که همان موضوع تجوید است، نشان از نخستین پیدایش تجوید توسط قرآن کریم دارد (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۱۸۸/۸۱؛ ابن الجزری، النشر فی القرائات العشر، بی تا: ۲۰۹/۱ - ۲۱۰). از این رو برخی اندیشمندان قرآن پژوه تجوید را از علوم خاص قرآن کریم بازگو نمودند که موضوع و زمان پیدایش آن را روزهای نخست نزول این کتاب آسمانی می‌دانند (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۵۳: ۱۵۸ - ۱۵۹؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱: ۲۷۸/۱ - ۲۷۹)

نقش مستقیم و غیر مستقیم قرآن در پیدایش دانش تجوید

مطالعه آیات قرآن، نشان‌گر تأثیر شگرف و بی‌بدیل قرآن کریم در این حوزه دارد. با نگاهی به تاریخ تجوید معلوم می‌شود که قرآن کریم به صورت مستقیم و غیر مستقیم در پدید آمدن این علم، تأثیر بنیادین داشته است. البته در زمان پیامبر ﷺ قرآن با ترتیل و تجوید خوانده می‌شد؛ اما پس از ارتباط فرهنگ‌ها و تداخل زبان‌ها، ضرورت تدوین تجوید جهت پاسداشت مخارج، حق و مستحق حروف قرآن و عربی درک گردید. از این رو برخی از قرآن پژوهان، نخستین زمان تدوین تجوید را توسط امام علی علیه السلام و به سفارش ایشان گزارش می‌کنند (ابن الجزری، النشر فی القرائات العشر، بی تا: ۲۱۰/۱)؛ زیرا قواعد تجویدی را زاینده دانش نحو و صرف می‌دانند و این قواعد را برگرفته و گسسته از قواعد کلیات زبان عربی می‌دانند (فضلی، الموجز فی علم التجوید، ۱۴۳۰: ۱۷ - ۱۸).

الف. نقش مستقیم قرآن در پایه‌گذاری تجوید

مهم‌ترین سرچشمه‌های قرآنی که باعث پیدایش تجوید، پاسداشت و نگاشتن در این زمینه بین مسلمانان گردید و آن را شریف‌ترین علوم دانستند، زیرا موضوع آن قرآن است و مورد ترغیب و سفارش آن است، عبارت‌اند از:

یک. رعایت قواعد تجویدی، درآمد تدبیر در آیات قرآن

تدبیر در لغت از ریشه «دُبِّرَ»، به معنای پشت و ورای هر چیزی (راغب، مفردات فی غریب القرآن، بی تا، ذیل واژه دُبِّرَ) در اصطلاح به معنای؛ تأمل در آیه‌ای پس از دیگری جهت دست‌یابی به معانی و حقایق قرآن است (آملی، تفسیر المحیط الاعظم، ۱۴۲۲: ۱۳۵/۱). در شماری از آیات قرآن کریم (نساء/۸۲؛ ص/۲۹؛ محمد/۲۳)، خداوند متعال مردم را به تدبیر و اندیشیدن در آیات قرآن سفارش نموده و بهره از تدبیر یا همان فهم قرآن بر اساس تحقیق قرآن پژوهان نیازمند پیمودن مراحل و مراتب گوناگونی همانند؛ نگاه به قرآن، شنیدن آن، روخوانی، قرائت، تلاوت، ترتیل، حفظ قرآن، تدبیر، تفکر، تعقل، تعلیم، درس، عمل به قرآن، اقامه عدل توسط قرآن، ترجمه، تفسیر، فهم باطن و تأویل قرآن... است (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۲۹۸/۱۷).

از این رو قرآن پژوهان با استناد به روایات معصومان علیهم السلام و آنچه یاران پیامبر صلی الله علیه و آله از روش یادگیری خود از ایشان، قرائت درست همراه با پاسداشت وقف و ابتدا، رعایت آرامش و صدای نیکو را نخستین گام تدبیر در آیات قرآن بیان می‌کنند (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱: ۱/۲۷۸ - ۲۷۹؛ کلینی، اصول کافی، ۱۴۰۷: ۲/۶۱۴ - ۶۱۷)؛ نشان از آن دارد، آیات قرآن و احادیثی که به آداب تلاوت قرآن، شیوه نزول قرآن، آرامش در قرائت با تأنی و دقت سفارش می‌نماید، نوعی اندرز به تدبیر و ارتباط با مضامین آیات را به همراه دارد؛ زیرا که تأنی در تلاوت، رعایت وقف و ابتدا، فهم معانی قرآن را میسر و زمینه تدبیر در آیات قرآنی را فراهم می‌سازد. همان‌گونه که امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش پیرامون تفسیر آیه «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» می‌فرماید؛ «قَالَ؛ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام؛ بَیِّنُهُ تَبْیَانًا وَلَا تَهْدُهُ هَذَا الشَّعْرُ وَلَا تَنْشُرُهُ نَشْرَ الرَّمْلِ وَ لَكِنْ أَفْرَعُوا قُلُوبَكُمْ الْقَاسِيَةَ وَ لَا يَكُنْ هُمْ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ» (کلینی، اصول کافی، ۱۴۰۷: ۲/۶۱۴)؛ «آیه را خوب بخوان و همانند شعر با شتاب زدگی نخوان و آن را بسان ریگ پراکنده نساز، بلکه دل‌های سخت خود را با آن به بیم و هراس بیفکنید و تلاش شما رسیدن به پایان سوره نباشد.»

دو. رعایت آرامش و درنگ در قرائت

قرآن کریم در ذیل آیه ۱۰۶ سوره اسراء که جهت پشتیبانی از نزول تدریجی قرآن و پاسخ‌گویی به شبهات مشرکان و منکران پیرامون عدم نزول یک‌باره قرآن کریم فروفرستاده شد، پیامبر صلی الله علیه و آله را جهت فهم تدریجی قرآن و نفوذ آن در دل‌های مردم، به درنگ در قرائت و پاسداشت آرامش در آن سفارش می‌نماید (فضل الله، من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۲۵۱/۱۴) می‌فرماید؛ «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى



مُكِّثٌ وَ تَرْتِیْلَةٌ تَنْزِیْلًا» (اسراء/۱۰۶)؛ «و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را به تدریج نازل کردیم.»

بر اساس دیدگاه لغت پژوهان، واژه «مُكِّثٌ» به معنای انتظار و درنگ کردن است؛ «اللُّبْثُ و الإقَامَةُ» (موسی، الافصاح فی فقه اللغة، بی تا: ۲۸۳/۱)؛ یا به سخن دیگر: «ثَبَاتٌ مَعَ انْتِظَارٍ» (راغب، مفردات فی الفاظ القرآن، بی تا، ۷۷۲)؛ که هر دو به معنای درنگ و تأمل است؛ بنابراین قرآن کریم پیامبر ﷺ را به درنگ در قرائت قرآن همراه با آرامش و تأنی و بدون شتاب، سفارش نموده تا قرآن کریم در جان و دل مردم نفوذ کرده و درآمدی برای تدبیر و تفکر در آیات قرآنی و آموزه‌های آن گردد.

برخی از مفسران اهل سنت و شیعه نیز «مُكِّثٌ» را به معنای خواندن همراه با آرامش و صدای نیکو و اندوهگین، درنگ و پاسداشت قواعد ترتیل جهت فهم هر چه بیشتر معانی قرآن تفسیر کرده‌اند. قرطبی می‌گوید: «عَلَى مُكِّثٍ أَى عَلَى تَرْسُلٍ فِی التَّلَاوَةِ وَ تَرْتِیْلِ فِیَعطى القارئ القراءة حَقَّهَا تَرْتِیْلًا وَ- تحسینها وَ- تطیبها بالصوت الحسن ما أمکن من غیر تلحین وَ- لا تطریب»؛ به معنای با آرامش خواندن قرآن همراه با رعایت ترتیل و نیکویی صدا بدون لحن و ترجیع است (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۳۴۰/۱۰). دیگر قرآن پژوهان نیز پرهیز از شتاب‌زدگی در قرائت و عجله در تلاوت قرآن را درآمد و مقدمه پی‌بردن به حقائق و معارف آموزه‌های قرآنی می‌دانند (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۴۱۷/۲۱؛ بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۴۱۸: ۲۶۹/۳؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۲۲۱/۱۳).

در حدیثی از امام صادق علیه السلام، ایشان درنگ و رعایت آرامش را زیرمجموعه و بخشی از ترتیل قرار داده است. در تفسیر ترتیل می‌فرماید: «هُوَ أَنْ تَتَمَكَّتْ فِیهِ وَ تُحَسِّنُ بِهِ صَوْتَكَ»؛ «یعنی با درنگ و آرامش خواندن قرائت و زیباسازی صدا هنگام قرائت قرآن.» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۵۶۹/۱۰). در نتیجه از منظر قرآن؛ رعایت آرامش هنگام تلاوت، پاسداشت وقوف و ابتدای آیات، زیباسازی تلاوت قرآن که بخشی از تجوید به شمار می‌رود، تأثیر فراوانی در تفکر به آموزه‌های قرآن، فهم معانی و کشش مردم به سوی قرآن دارد؛ زیرا رسیدن به معنای حقیقی و پشت پرده آیات قرآن، از بایسته بودن الفاظ و واژه‌های قرآن و ترکیب آنان می‌گذرد.

سه. وفاق معنای ترتیل و تجوید

خداوند در آیه شریفه: ﴿وَ رَزَّلَ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا﴾ (مزل/۴)؛ پیامبر ﷺ را ملزم و موظف به ترتیل قرآن می‌کند. منظور از اینکه قرآن در این آیه چیست؟ در میان مفسران اختلاف است، ولی می‌توان مراد از آن

را مطلق قرآن گرفت؛ چراکه در نماز نیز همچون نماز شب، قرآن خوانده می شود. همان گونه که برخی از مفسران معاصر آن را به معنای مطلق قرآن خواندن تفسیر کرده اند (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۶۶/۵)؛ اما معنای ترتیل؛ یعنی تلفظ صحیح حروف با حفظ مخارج آن ها و رعایت وقف ها در قرائت قرآن است (میبدی، کشف الاسرار و عدة الابرار، ۱۳۷۱: ۲۶۶/۱۰). در کتاب های نخست لغت و تفاسیر شیعه و اهل سنت آمده است که ترتیل، به معنای شمرده خواندن همراه با وضوح و رعایت آرامش و درنگ در قرائت است. از باب نمونه، خلیل بن احمد معتقد است: «وَرَتَّلْتَ الْكَلَامَ تَرْتِيلًا إِذَا أَمَهَلْتَ فِيهِ وَ أَحَسَنْتَ تَأْلِيفَهُ»؛ «یعنی خواندن با درنگی و ترکیب شایسته» (فراهیدی، العین، بی تا: ۱۱۳/۸). راغب اصفهانی نیز آورده است: «إِرسَالُ الْكَلِمَةِ بِسَهْوَةٍ وَ إِسْتِقَامَةٍ»؛ «یعنی با آسانی و استواری کلمه را تلفظ نمودن است» (راغب، مفردات الفاظ القرآن، بی تا: ۳۴۱).

اندیشمندان قرآن پژوه نیز در کتب تفسیری خود این معنا را تأکید کرده و بر ضرورت رعایت تجوید و قرائت صحیح پافشاری نمودند. به عنوان مثال، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان بر ترتیل و قرائت پی در پی همگام با تلفظ صحیح اشاره می کنند: «ترتیل القرآن تلاوته بتبیین حروفه علی توالیها»؛ «یعنی تلفظ صحیح حروف، همگام با شمرده شمرده خواندن است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۶۱/۲۰). مرحوم طبرسی در مجمع البیان نیز بر رعایت صحیح مخارج حروف و عدم شتاب در خواندن اصرار ورزیده و بازگو نمودند؛ «بأن تبین جميع الحروف و توفى حقها من الإشباع» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۵۶۹/۱۰).

همان طور که مفسران اهل سنت در تفاسیر خود، بر رعایت مخارج حروف و شمرده شمرده خواندن تأکید کرده و این فرمان الهی در رعایت صحت قرائت را آغاز بهره وری از آیات قرآن جهت فهم هر چه بیشتر آن ها و نورانی شدن قلب با قرآن می دانند، همچون: فخر رازی که در تفسیر مفاتیح الغیب پس از تفسیر ترتیل به آرام خواندن برعکس تند خواندن می نویسد: «و اعلم أنه تعالى لما أمره بصلاة الليل أمره بترتیل القرآن حتی یتمکن الخاطر من التأمل فی حقائق تلك الآيات و دقائقها، فعند الوصول إلى ذکر الله یتشعر عظمته و جلالته، و عند الوصول إلى الوعد و الوعد یحصل الرجاء و الخوف، و حیث یستشعر القلب بنور معرفة الله، و الإسراع فی القراءة یدل علی عدم الوقوف علی المعانی»؛ «یعنی آهسته خواندن با رعایت صحت قرائت، مقدمه اندیشیدن در حقایق آیات قرآنی و پی بردن به نکات ظریف آن ها و برعکس، تندخوانی نشان از عدم بهره وری از معانی آیات قرآن است» (فخر رازی، مفاتیح الغیب،



۱۴۲۰: ۳۰/۳۸۳.

ابن کثیر از دیگر مفسران اهل سنت، ترتیل را به معنای خواندن با تأنی و آرامش جهت فهم هر چه بیشتر قرآن می‌داند (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۸/۲۶۱).
در هر صورت، بر اساس معنای لغوی ترتیل و روایت مزبور و شرح و تفسیر اندیشمندان قرآن‌پژوه، رابطه ترتیل و تجوید هویدا گردید و تأثیر قرائت مرتل و مجوّد در فهم معانی قرآن و نورانیت دل و تدبر در آیات الهی نمایان شد.

چهار. حقّ تلاوت و پیوند آن با فهم قرآن

آخرین مرحله خواندن قرآن، قرائت با تدبر و همگام با عمل است. خداوند می‌فرماید: «يَتْلُوْنَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» (بقره/۱۲۱)؛ «الَّذِيْنَ يَتْلُوْنَ كِتَابَ اللّٰهِ» (فاطر/۲۹)؛ تلاوت به معنای پیروی و پیایی خواندن همگام با تدبر و اندیشه است (راغب، مفردات الفاظ القرآن، بی‌تا: ۱۶۷؛ مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، بی‌تا: ۱/۳۹۵).

در تبیین مراد از «حقّ تلاوت» که مؤمنان موظّف به پا داشتن آن گردیدند، دیدگاه‌های گوناگونی بین مفسران به چشم می‌خورد. به‌عنوان نمونه:

۱. برخی مانند قرطبی پس از بازگویی دیدگاه‌های مختلف بیان می‌کند که یکی از معانی حقّ تلاوت «ترتیل الفاظ جهت فهم معانی آیات قرآن» است (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۲/۹۶). در روایتی امام صادق علیه السلام این معنا را تأیید می‌نماید: «يَتْلُوْنَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» قال: يُرْتَلُّونَ آيَاتِهِ وَيَتَفَهَّمُونَ مَعَانِيَهُ»؛ «یعنی پیایی خواندن همگام با تدبر و اندیشه کردن در معانی قرآن (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۶: ۲/۱۱۶).

۲. برخی از آن‌ها، حقّ تلاوت را به قرائت با ترتیل همگام با ادا و رعایت مخارج حروف به‌علاوه تفکر و تدبر در آیات الهی تفسیر نموده‌اند. همچون سعید حوّی از قرآن‌پژوهان معاصر این‌گونه بیان می‌کند: «أى يقرءونه حق قراءته، فى الترتيل، و أداء الحروف، و التدبّر، و التفكر، و الإيمان بمضمونه، و العمل به» (حوّی، الاساس فى التفسير، ۱۴۲۴: ۱/۲۳۰).

۳. فخر رازی در تفسیر این آیه، باور به عمومیت و قدر مشترک آن دارد که در واقع دربرگیرنده کل تفاسیر پیشین است و همه دلالت‌های لفظی و معنوی آیه را می‌پذیرد؛ چراکه به نظر وی، مراد آیه شریفه عام است و مقصود از حقّ تلاوت پاسداشت قواعد لفظی (ترتیل، تجوید) و همچنین تدبر

در معنا، خشوع در برابر آن‌ها، عمل به دستورات الهی و عدم تأویل خودسرانه بدون هیچ قرینه را دربر می‌گیرد (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۳۰/۴).

پنج. سرمشق‌گیری از هنجارهای سیره پیامبر ﷺ

مسلمانان همیشه در پی الگوگیری از پیامبر ﷺ بوده‌اند. فراوانی نگاشته‌های تاریخی و حدیثی بازگوکننده سیره و سلوک ایشان در تمام زمینه‌های زندگانی اعم از؛ کردار فردی، جنگ و غزوات ایشان، سنت ایشان در اوضاع گوناگون تلقی وحی، عبادت، اخلاق فردی و اجتماعی و... گویای کوشش مسلمانان برای بینایی از رفتار پیامبر ﷺ جهت سرمشق‌گیری است. قرآن کریم نیز در این میان مردم را به الگوگیری و پیروی از ایشان ﷺ دستور و سفارش نموده است (احزاب/۲۱؛ آل عمران/۳۱). بی‌شک وجود برخی ویژگی‌های پیامبر ﷺ در قرآن سبب آسودگی و استواری بیشتر مسلمانان می‌شود، از جمله ویژگی‌های پیامبر ﷺ که مورد یادکرد قرآن است، تلاوت و شیوه قرائت ایشان است؛ می‌فرماید: ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ﴾ (بقره/۱۲۹)؛ ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ﴾ (جمعه/۲)؛ در این آیات و بر اساس روایات اسلامی برجسته‌ترین صفت پیامبر ﷺ خواندن قرآن با رعایت مظاهر زیبایی قرائت شمرده شده است (ابوداود، سنن ابی داود، ۱۴۲۰: ۶۳۷/۲)؛ که بازگوکننده کمال تبلیغ پیامبر ﷺ حتی در قرائت قرآن بدون هیچ کم و کاستی است.

بر اساس این نوع آیات، تلاوت قرآن یکی از مظاهر نمایان سیره آن حضرت ﷺ تلقی می‌گردد که مؤمنان موظف به تبعیت از سنت پیامبر ﷺ در تمام مراحل و گونه‌های آن هستند که یکی از آن‌ها، حُسن تلاوت همگام با رعایت قواعد تجویدی و مخارج حروف است. بدین جهت، باید از قرائت صحیح پیامبر ﷺ پیروی کرد و در صحت قرائت قرآن کوشش نمود؛ زیرا از طرفی، قرائت اشتباه یا عدم شناخت و عدم رعایت وقف‌های صحیح، سبب تحریف و دوری از معانی قرآن می‌گردد؛ و از سویی دیگر، شناخت و رعایت وقف‌ها تأثیر بسزایی در فهم استوار کلام الهی دارد. ازاین‌رو برخی از اندیشمندان قرآن‌پژوه آموختن علم تجوید را واجب کفائی قلمداد کرده و مراعات قواعد آن در قرائت قرآن را واجب عینی دانستند (الجریسی، نهاية القول المفید فی علم تجوید القرآن المجید، ۱۴۲۳: ۱۲). حتی برخی دیگر خواندن قرآن با مراعات قواعد تجویدی را واجب و تارک آن را گناهکار و سزاوار عذاب می‌دانند (ابن‌الجزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۲۱۰/۱ - ۲۱۱).

ب. نقش غیرمستقیم قرآن کریم در پیدایش تجوید

قرآن کریم در کنار اثرگذاری مستقیم خود، تأثیر غیرمستقیمی در پدیداری تجوید نیز دارد؛ زیرا با



اعتباربخشی به سخن و رفتار حاملان وحی که همان رسول گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت  هستند، در شکل‌گیری تجوید در بین مسلمانان نقش وافر داشته است؛ زیرا آنان با گفتار و رفتار و تربیت شاگردان در زمینه‌های گوناگون علوم قرآن، تأثیر فراوانی در سامان‌دهی تجوید داشته‌اند، ادعای اثرگذاری، در توجه به روند و فرآیندهای ذیل قابل مشاهده است:

یک. ارزش‌دهی به تعلیم و تعلم قرآن

«عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: خِيَارُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عَلَّمَهُ» (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۱۶۷/۶) روشن است، دعوت خداوند و معصومان  به آموزش و یادگیری قرآن، انگیزه پانهادن در این زمینه را در وجود مردم، پدید آورده است. آموزش قرآن به صورت کلی به آن دعوت شده است که شامل قرائت، تجوید و تفسیر نیز می‌گردد. از این رو این دعوت مردم به آموزش و یادگیری قرآن، یکی از اسباب اصلی پیدایش تجوید به‌شمار می‌رود.

دو. سفارش به یادگیری روخوانی و تجوید

پیامبر ﷺ در روایات متعدد و متنوع، بر قرائت صحیح همگام با رعایت تجوید تأکید کرده‌اند. به‌عنوان مثال، فرمودند: «أَعْرِبُوا الْقُرْآنَ وَ التَّمِسُّوا غَرَائِبَهُ»؛ «قرآن را درست بخوانید و در جستجوی شگفتی‌های آن باشید» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۰۶/۸۹). برخی از قرآن‌پژوهان این روایت را سرآغاز پاسداشت قواعد تجویدی در زمان پیامبر ﷺ بیان می‌کنند (مظلومی، پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی، ۱۴۰۳: ۱۴/۲ - ۱۵).

سه. تبیین و تعریف ترتیل و تجوید

به‌عنوان نمونه، امام علی علیه السلام فرمودند: «التَّرْتِيلُ هُوَ تَجْوِيدُ الْحُرُوفِ وَ مَعْرِفَةُ الْوُقُوفِ»؛ «ترتیل، همانا خوب ادا کردن حروف و شناخت وقف‌هاست» (ابن‌الجزری، التمهید فی تجوید القرآن، ۱۴۲۱: ۶۱).

چهار. تأکید بر ترتیل در قرائت همراه با صدای نیکو

رسول‌الله ﷺ فرمودند: «إِقْرُوا الْقُرْآنَ بِالْحَانَ الْعَرَبِ وَ أَصْوَاتِهَا، وَ إِيَاكُمْ وَ لِحُونَ أَهْلِ الْفِسْقِ وَ أَهْلِ الْكِبَاثَةِ»؛ «قرآن را با لحن‌ها و آواز عرب بخوانید و از لحن گناهکاران و فاسقان دوری نمایید.» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۴/۲ - ۶۱۴). پیامبر ﷺ چه در گفتار یا کردار همواره بر قرائت مرتل همراه با صدای نیکو اصرار می‌ورزیدند. در برخی از نگاشته‌های حدیثی درباره کیفیت قرآن خواندن ایشان آمده است: «قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ عَنْ قِرَاءَةِ النَّبِيِّ ﷺ: وَ نَعَتَتْ قِرَاءَتَهُ، فَإِذَا هِيَ تَنْعَتُ قِرَاءَتَهُ حَرْفًا حَرْفًا»؛ «ام سلمه قرائت پیامبر ﷺ را توصیف می‌نماید و تلاوت آن حضرت را قرائت با درنگ و آرامش بیان می‌کند»

(ابوداود، سنن ابی داوود، ۱۴۲۰: ۶۳۷/۲). همچنین در روایتی دیگر از عبدالله بن مغفل آمده است: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ وَ هُوَ عَلَى نَاقَةٍ يَقْرَأُ بِسُورَةِ الْفَتْحِ وَ هُوَ يَرْجِعُ»؛ «پیامبر ﷺ را در روز فتح مکه بر روی شتر، سوره فتح را با صدای موزون تلاوت می نمود.» (همان: ح ۱۴۶۷). ترجیح در لغت به معنای؛ «رد کردن پیوسته و پیایی صدا با آواز موزون در تلاوت و غنا و آواز است» (راغب، مفردات الفاظ القرآن، بی تا: ۳۴۳). بر اساس این روایات، برخی از اندیشمندان حدیث پژوه، ادعای اجماع اندیشمندان اسلامی بر استحباب قرائت قرآن با ترتیل همراه با صدای نیکو را بازگو کرده اند (ابوداود، سنن ابی داود، ۱۴۲۰: ۶۳۷/۲). هویداست که این احادیث پاسداشت ویژه پیامبر اسلام ﷺ و معصومان علیهم السلام نسبت به قرائت و صحت آن همراه با رعایت قواعد ترتیل و تجوید جهت تدبر و فهم هر چه بیشتر معانی قرآن را بازگو می نماید.

ناگفته نماند که برخی از اندیشمندان و قرآن پژوهان از مذاهب گوناگون اسلامی همانند؛ ابوالفضل مرسی، جلال الدین سیوطی، زرکشی، علامه طباطبایی، مظلومی، رضایی اصفهانی، بر نقش قرآن در پایه گذاری تجوید تأکید ورزیده و عامل بنیادین پیدایش تجوید را قرآن کریم و آموزه های آن بیان می کنند (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱، ۲/ ۲۶۱؛ شاطبی، الموافقات، بی تا، ۳/ ۳۸۰-۳۷۵؛ ابوعاصی، علوم القرآن عند الشاطبی، ۱۴۲۶: ۹۶؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۱/ ۱۰۲؛ طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۵۳: ۱۵۹؛ مظلومی، پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی، ۱۴۰۳: ۱۵/۲-۱۶).

نتیجه

نخستین پایه گذاری تجوید، در زمان پیامبر ﷺ و همگام با نزول قرآن بوده، و قرآن عامل پیدایش این دانش است.

پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام، پیوسته به این دانش توصیه می کردند. همچنین نخستین نگاهته های تجویدی به وسیله شاگردان معصومان و با ترغیب و سفارش آنان نگاهته شد.

دانش تجوید به خلاف دیدگاه های ناصواب پیش گفته، با هدف اصلاح قرائت قرآن و جهت فهم هر چه بیشتر معانی قرآن، به وسیله آموزه های قرآن و بیان پاسداشت آن، همچنین تکاپوی معصومان علیهم السلام در این میان تأسیس گردید.

سرچشمه بنیادین به وجود آورنده تجوید در قرآن عبارت اند از: رعایت قواعد تجویدی زمینه ساز



تدبر در قرآن، وحدت معنایی ترتیل و تجوید، تلاوت زیربنای تدبر و عمل، سر مشق‌گیری از هنجارهای سیره پیامبر ﷺ، رعایت آرامش و درنگی در قرآن.

قرآن با حجیت‌بخشی به حدیث و سنت معصومان علیهم‌السلام نیز به صورت غیر مستقیم عامل پیدایش تجوید گردید، سرچشمه‌های حدیثی پایه‌گذار تجوید عبارت است از: ارزش‌گذاری به تعلیم و تعلم قرآن، تبیین و تعریف تجوید و سفارش به یادگیری روخوانی و تجوید.

اندیشمندان قرآن‌پژوه همانند؛ المرسی، شاطبی، علامه طباطبایی و... بر پیدایش مستقیم دانش تجوید از قرآن کریم و آموزه‌های آن تأکید دارند.

پی نوشت

- ١- لا يجوز عندنا التجويد لأمرين: أحدهما؛ لأنه من بدع المخالفين، وقد تأثر بهم أكثر الشيعة في زماننا الحاضر، وثانيهما لأن فيه قواعد تخل ياخراج الحروف من مخارجها على وجه يتميز بعضها عن بعض كالإدماج والحذف، فإنهم يدمجون حرفاً في حرف آخر لأجل التحسين كإدماج حرف في حرف مثلاً نظير تجويدهم في قوله تعالى (يا بني اركب معنا) فقلبوها إلى (اركم معنا) حيث قلبوا الباء إلى الميم وهو تحريف صريح للآية الشريفة.
- ٢- كان التجويد واختلاف القراءات حسب التخريص، من أسباب المعيشة ومن موجبات التقرب إلى السلاطين والتدخل في البلاط. ومما يؤيد ذلك جداً: أنّ مذهب الشيعة ليس متدخلاً في هذه الأمور، وليس من القراء من يعدّ منا أهل البيت عليهم السلام؛ لما أنّ الشيعة كانوا يعتقدون بأنّ القرآن واحد ومن الواحد إلى الواحد للتوحيد.



منابع

۱. ترجمه قرآن، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن الجزری، محمد بن محمد، النشر فی القرائات العشر، دار الکتب العلمیه، بیروت: بی تا.
۳. —، التمهید فی علم التجوید، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ ق.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۹ ق.
۵. ابن حنبل، احمد، مسند احمد ابن حنبل، مؤسسة الرسالة، بیروت: ۱۴۱۶ ق.
۶. ابن ماجه، محمد بن یزید، ابن ماجه، دارالجليل، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت: بی تا.
۸. ابوداود، سلیمان ابن اشعث، سنن ابی داود، دار الحدیث، مصر: ۱۴۲۰ ق.
۹. ابوعاصی، محمد سالم، علوم القرآن عند الشاطبی، دارالبصائر، القاهرة: ۱۴۲۶.
۱۰. آملی، حیدر بن علی، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم، نور علی نور، قم: چاپ سوم، ۱۴۲۲ ق.
۱۱. الجریسی، محمد مکی نصر، نهاية القول المفید فی علم تجوید القرآن المجید، دار الکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۳ ق.
۱۲. حاجی خلیفه، کشف الظنون، دار إحياء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسة آل البيت علیه، قم: ۱۴۰۹ ق.
۱۴. حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، دار السلام، قاهره: ۱۴۲۴ ق.
۱۵. خمینی، مصطفی، تفسیر القرآن الکریم، مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: ۱۴۱۸ ق.
۱۶. خیاطه، عبداللطیف، التبیان فی تجوید القرآن، دارالتراث، الكويت: ۱۴۰۹ ق.
۱۷. الدانی، عثمان بن سعید، التحدید فی الاتقان و التجوید، دار عمار، عمان: ۱۴۲۱ ق.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دار القلم، بیروت: بی تا.
۱۹. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم: ۱۳۸۷ ش.

۲۰. زراری، عبدالودود، مدخل الى علم التجويد، دارالعربية، اردن: ۱۹۸۵ م.
۲۱. الزركشى، محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، دار المعرفه، بيروت: ۱۴۱۰ ق.
۲۲. سيويوه، عمرو بن عثمان، الكتاب، مكتبة الخانجي، قاهره: بى تا.
۲۳. سيوطى، جلال الدين، الاتقان فى علوم القرآن، دار الكتاب العربى، بيروت: ۱۴۲۱ ق.
۲۴. شمس، مرادعلى، پژوهشى پيرامون تاريخ علم تجويد، انتشارات قديانى، تهران: ۱۳۸۰ ش.
۲۵. صادقى تهرانى، محمد، الفرقان فى تفسير القرآن بالقرآن و السنة، فرهنگ اسلامى، قم: ۱۴۰۶ ق.
۲۶. طباطبايى، محمدحسين، الميزان فى تفسير القرآن، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بيروت: ۱۳۹۰ ش. — قرآن در اسلام، دار الكتب الاسلاميه، تهران: ۱۳۵۳ ش.
۲۷. طوسى، محمد بن حسن ابن على ابن حسن، رجال الطوسى، بى جا: بى تا.
۲۸. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، ناصر خسرو، تهران: ۱۳۷۲ ش.
۲۹. عاملى، السيد جعفر مرتضى، الصحيح من سيره النبى الاعظم، دار الهادى للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت: ۱۴۱۵ ق.
۳۰. فخر رازى، محمد بن عمر، تفسير مفاتيح الغيب، دار إحياء التراث العربى، بيروت: ۱۴۲۰.
۳۱. فراهيدى، احمد ابن خليل، العين، نشر هجرت، قم: بى تا.
۳۲. فضل الله، محمدحسين، من وحى القرآن، دار الملاك، بيروت: ۱۴۱۹.
۳۳. قدورى، حمد، اباحت فى علم التجويد، دار عمار للنشر و التوزيع، عمان: ۱۴۲۲ ق.
۳۴. قرطبى، محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن، ناصر خسرو، تهران: ۱۳۶۴ ش.
۳۵. قنحاوى، محمد الصادق، البرهان فى تجويد القرآن، بى جا: بى تا.
۳۶. كاشانى، محمد بن شاه مرتضى، تفسير الصافى، مكتبة الصدر، تهران: ۱۴۱۵ ق.
۳۷. كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافى، دار الكتب الاسلاميه، تهران: ۱۴۰۷ ق.
۳۸. مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، دار إحياء التراث العربى، بيروت: ۱۴۰۳ ق.
۳۹. مصطفوى، حسن، التحقيق فى كلمات القرآن، دار الكتب العلميه، بيروت: بى تا.
۴۰. مظلومى، رجبعلى، پژوهشى پيرامون آخرين كتاب الهى، نشر آفاق، تهران: ۱۴۰۳ ق.
۴۱. مكارم شيرازى، ناصر، تفسيرنمونه، دار الكتب الاسلاميه، تهران: ۱۳۷۱ ش.
۴۲. موسى بلده، سيد محسن، حلية القرآن، سازمان تبليغات اسلامى، تهران: ۱۳۷۸ ش.



۴۳. میبیدی، احمد بن محمد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، امیر کبیر، تهران: ۱۳۷۱ ش.
یاقوت حموی، ابو عبدالله شهاب الدین، دار الغرب الاسلامی، بیروت: ۱۴۱۷ ق.

References

١. Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ٢٠٠٥. Ibn Sayegh & Ya'ish Ben Ali. Sharh Al-Mufasssal. Cairo: Moniriyyah print management. Dar al-Sader.
٢. Abu A'si, Muhammad Salim, Ulum al-Quran ind al-Shatibi [Quranic Sciences in Shatibi's Viewpoint], Dar al-Basair, Cairo: ١٤٢٦ AH.
٣. Abu Dawud, Suleiman Ibn Asha'ath, Sunan Abi Dawud, Dar al-Hadith, Egypt: ١٤٢٠ AH.
٤. Al-Dani, U'thman bin Sa'eed, Al-Taahid fi al-Itqan wa al-Tajwid [An Introduction to Perfect Reciting and Elocution of Quran], Dar Ammar, Oman: ١٤٢١ AH.
٥. Al-Jarisi, Muhammad Makki Nasr, Nihayah al-Qawl al-Mufid fi Ilm Tajwid al-Quran al-Majid [The End of Useful Discussions on the Science of Elocution of Holy Quran], Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ١٤٢٣ AH.
٦. Al-Zarkashi, Muhammad bin Abdullah, Al-Burhan fi Ulum al-Quran [A Demonstration in Quranic Sciences], Dar Al-Ma'rifah, Beirut: ١٤١٠ AH.
٧. Ameli, al-Seyyed Ja'far Murtadha, Al-Sahih min Sirat al-Nabi al-A'zam [The Correct Conduct and History of Great Prophet], Dar al-Hadi for Printing, Publication, and Distribution, Beirut: ١٤١٥ AH.
٨. Amoli, Haidar bin Ali, Tafsir al-Muhit al-A'zam wa al-Bahr al-Khuzam fi Ta'wil Kitab Allah al-Aziz al-Muhkam [The Exegesis of Major Comprehensive and Deep Ocean of Interpretation of the Divine Gracious and Substantial Book], Noor Ala Noor, Qom: ٣rd Edition, ١٤٢٢ AH.
٩. Fahidi, Ahmad bin Khalil, Kitab al-'Ayn, Hijrat Publications, Qom: n.d.
١٠. Fakhri Razi, Muhammad bin Umar, Umar, Tafsir Mafatih al-Ghayb [The Exegesis of the Keys of Hidden World], Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ١٤٢٠ AH.
١١. Haji Khalifah, Kashf al-Zunun [Opinion's Scrutiny of the Names of Books and the Sciences], Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: n.d.
١٢. Havvi, Sa'eed, Al-Asas fi al-Tafsir [The Foundation of Exegesis], Dar al-Salam, Cairo: ١٤٢٤ AH.
١٣. Hurr Ameli, Muhammad bin Hassan, Wasail al-Shiah, Muassasah Alul al-Bayt [A.S], Qom: ١٤٠٩ AH.



۱۴. Ibn Hanbal, Ahmad, Musnad Ahmad ibn Hanbal, Muassasah al-Risalah, Beirut: ۱۴۱۶ AH.
۱۵. Ibn Jazari, Muhammad bin Muhammad, Al-Nashr fi al-Qira'at al-Ashr [A Work on the Ten Recitations], Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: N.d.
۱۶. _____, Al-Tamhid fi Ilm al-Tajwid [An Introduction to the Sciences of Elocution], Muassasah al-Risalah, Beirut: ۱۴۲۱ AH.
۱۷. Ibn Kathir, Isma'il bin Umar, Tafsir al-Quran al-Azeem [The Exegesis of Gracious Quran], Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۱۹ AH.
۱۸. Ibn Majah, Muhammad bin Yazid, Musnad Ibn Majah, Dar al-Jayl, Beirut: ۱۴۱۸ AH.
۱۹. Ibn Manzoor, Muhammad bin Mukarram; Lisan al-Arab [Arabic Language / Tongue of Arabs], Dar Sader, Beirut: n.d.
۲۰. Kashani, Muhammad bin Shah Murtadha, Tafsir al-Safi [A Clearing Exegesis], Maktabah al-Sadr, Tehran: ۱۴۱۵ AH.
۲۱. Khayatah, Abd al-Latif, Al-Tibyan fi Tajwid al-Quran [An Explanation of Quranic Elocution], Dar al-Turath, Kuwait: ۱۴۰۹ AH.
۲۲. Khomeini, Mustafa, Tafsir al-Quran al-Karim [The Exegesis of Holy Quran], The Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Tehran: ۱۴۱۸ AH.
۲۳. Kulayni Razi, Muhammad Ibn Ya'qub, Usul al-Kafi, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۴۰۷ AH.
۲۴. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar [The Oceans of Lights], Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۰۳ AH.
۲۵. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir Nemooneh [The Ideal Exegesis], Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۹۹۲.
۲۶. Mazlumi, Rajab-Ali, A Research Concerning the Last Divine Book, Afaq Publications, Tehran: ۱۴۰۳ AH.
۲۷. Meybodi, Ahmad bin Muhammad, Kashf al-Asrar wa Uddah al-Abrar [The Unveiling of the Mysteries and the Provision of the Pious], Amirkabir, Tehran: ۱۹۹۲.
۲۸. Musavi, Baldah, Hilyah al-Quran [The Adornment of Quran], Sazman Tablighat Islami [= The Islamic Preaching Center], Tehran: ۱۹۹۹.
۲۹. Mustafavi, Hassan, Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran [A Research in the Words of Quran], Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: n.d.
۳۰. Qanhavi, Muhammad al-Sadiq, Al-Burhan fi Tajwid al-Quran [A Demonstration

- Concerning the Elocution of Quran], N.p.: n.d.
۳۱. Quduri, Hamd, Abhath fi Ilm al-Tajwid [Discussion Concerning the Science of Elocution], Dar Ammar for Printing and Distribution, Oman: ۱۴۲۲ AH.
۳۲. Qurtubi, Muhammad bin Ahmad, Al-Jami' li Ahkam al-Quran [A Comprehensive Work for the Rules of the Quran], Nasser Khosrow, Tehran: ۱۹۸۵.
۳۳. Raghieb Esfahani, Hossein bin Muhammad, Mufradat fi Gharib al-Quran [Dictionary of Uncommon Words of Quran], Dar al-Qalam Beirut: n.d
۳۴. Rezaei Esfahani, Muhammad Ali, The Exegesis of Mehr [Mercy] of Quran, The Quranic Exegesis and Sciences Researches, Qom: ۲۰۰۸.
۳۵. Sadiqi Tehrani, Muhammad, Al-Furqan fi Tafsir al-Quran bi al-Quran [The Criterion Concerning the Interpretation of Quran by Quran and Sunnah], Islamic Culture [Farhang Islami], Qom: ۱۴۰۶ AH.
۳۶. Shams, Murad Ali, A Research Concerning the History of the Science of Elocution [Tajwid], Qadyani Publications, Tehran: ۲۰۰۱.
۳۷. Sibawayh, Amr bin U'thman, Al-Kitab, Maktabah al-Khanji, Cairo: n.d.
۳۸. Suyuti, Jalaluddin, Al-Itqan fi Ulum al-Quran [The Perfect Guide to the Sciences of the Quran], Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: ۱۴۲۱ AH.
۳۹. Tabarsi, Fadhl bin Hassan, Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran [A Collection of Expressions Concerning the Interpretation of Quran], Nasser Khosrow, Tehran: ۱۹۹۳.
۴۰. Tabatabai, Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir Al-Quran, Muassasah al-A'lami for Publications, Beirut: ۲۰۱۱.
۴۱. _____, Quran in Islam, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۹۷۴.
۴۲. Tusi, Muhammad bin Hassan ibn Ali Ibn Hassan, Rijal [Science of Biographical Evaluation of] al-Tusi, N.p.: n.d.
۴۳. Yaqut al-Hamawi, Abu Abdullah Shahabuddin, Mu'jam al-Buldan [Dictionary of Countries], Dar al-Gharb al-Islami, Beirut: ۱۴۱۷ AH.
۴۴. Zurari, Abd al-Wadud, Madkhal ila Ilm al-Tajwid [A Prolegomena to the Science of Elocution], Dar al-Arabiyyah, Jordon: ۱۹۸۵.